بنام خداوند جان و خرد

۱۲۸۱۴۶

وزارت علوم،تحقیقات و فناوری

دانشگاه هنر

دانشکده موسیقی

ساخت آثار پایانی تحصیلی جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد
رشته آهنگسازی

بخش عملی:
قطعه ای برای ارکستر سمفونیک
(تار و ارکستر)

استاد راهنما:
جناب آقای حمید رضا دیبا زر

بخش نظری:
تجزیه و تحلیل بخش عملی

استاد مشاور:
جناب آقای حمید رضا دیبا زر

دانشجو:
رامبد سالاری

سال تحصیلی 88-1387

۱۳۸۸/۱۰/۷

آموزش اطلاعات مدارک صوتی و تصویری
تهیه مدارک

ورود به دبیرخانه دانشگاه هنر
شماره ---۱۲/۱۵۱۷---
تاریخ ---۱۳۸۸/۳/۱۲---

۱۲۸۱۴۶

تقدیم به :

پدر و مادر و خواهر عزیزم
که همواره مشوق و حامی من بوده اند.

سپاس فراوان از :

از استاد بزرگوارم جناب آقای حمید رضا دیبا زر
که بدون راهنمایی ایشان تکمیل این پایان نامه امکان پذیر نبود.

سپاس فراوان از :

اساتید محترم جناب آقای شاهرخ خواجه نوری و کیاوش صاحب نسق
که زحمات زیادی برای اینجانب متحمل شدند.

تشکر ویژه از :

اساتید محترم آقایان

حسین دهلوی، تقی ضرابی ،احمد پژمان، شریف لطفی، کامبیز روشن روان، اتابک الیاسی، فرید عمران ، طالب خان شهیدی ،خیام میرزا زاده ، هوشیار خیام ، کیوان ساکت، حمزه یگانه ، وارطان ساهاکیان ،علیرضا مشایخی،حمید سکوتی،هومان اسعدی .

وسرکار خانم دکتر هما سادات افسری.

سپاس فراوان از :

آقایان آرش میتویی، پژهام و پوریا اخواص، سعید همتیان، علی بهرامی فرد ، میلاد درخشانی و روزبه رفیعی که در ضبط و اجرای این پایان نامه مرا یاری کردند.

فهرست

چکیده مطالب صفحه ۱

مقدمه صفحه ۲

بخش نظری (تجزیه و تحلیل آثار) صفحه ۳

بخش عملی (پارتی تور آثار)

منابع و ماخذ

Abstract

چکیده

این پایان نامه شامل دو بخش است. بخش اول قطعه ای برای تار و ارکستر و بخش دوم قطعه گروه نوازی برای سازهای ایرانی به همراه تجزیه و تحلیل آثار در بخش نظری می باشد .

مقدمه

قبل از ورود به دانشگاه موسیقی، به فراگیری ساز پیانو پرداختم و پس از مدتی آشنایی با مقدمات موسیقی کلاسیک، به موسیقی ایرانی علاقمند شدم و با شرکت در کلاس آموزش تار و آشنایی با موسیقی ایرانی فعالیت خود را همزمان در زمینه موسیقی جهانی و ایرانی ادامه دادم.

بعد از ورود به دانشگاه در دوره لیسانس با انتخاب ساز تار به فراگیری مبانی و ردیف موسیقی ایرانی پرداختم و پس از حضور در دوره کارشناسی ارشد و آشنایی بیشتر با موسیقی جهانی و غربی توسط اساتید ارجمندم همواره در فکر خلق آثاری با استفاده از ماتریال های موسیقی ایرانی (موسیقی مقامی ، دستگاهی و ....) و همزمان بکار گیری و الگو برداری از موسیقی جهانی و استفاده از توانایی رنگ آمیزی ارکسترال بودم.

به همین جهت با تشویق اساتید ارجمندم تصمیم گرفتم با استفاده از ساز تار و همراهی آن با ارکستر قطعه ای تصنیف کنم که این پایان نامه حاصل این فرایند می باشد.

تجزیه و تحلیل اثر

قطعه ای برای تار و ارکستر از چهار بخش تشکیل شده است .

قسمت اول مقدمه از میزان یک تا بیست و دو که شامل بافتی کنترپوانتیک با همراهی تار با الهام از گوشه بیداد دستگاه همایون می باشد.

قسمت دوم از میزان بیست و سه تا هشتاد ودو که شامل فرود از گوشه بیداد به درآمد همایون می باشد که در آن جملات تار با کنتر ملودیهایی توسط بقیه ارکستر بطور متناوب پاسخ داده می شود.

قسمت سوم با کلارینت سولو از میزان هشتاد و سه تا صد و یازده ادامه پیدا میکند و در آن مدگردی از همایون Sol به دستگاه نوا Re صورت می گیرد. و از میزان صد و دوازده تا صد و نوزده قطعه در دستگاه نوا ادامه می یابد.

قسمت چهارم از میزان صد و بیست با تغییر متر به هفت هشت و افزایش تمپو در دستگاه نوا ادامه یافته و با اشاره به تم نوایی در میزان صد و شصت و هشت خاتمه می یابد.از میزان صد و شصت ونه قسمت بحث و گسترش با اشاره به متریال های قسمت اول و دوم آغاز می شود.و به آواز بیات اصفهان مدگردی کرده و در میزان صد و هشتاد و سه با اپیزودی در دستگاه بیات اصفهان اداه می یابد.در میزان دویست و چهارده به دستگاه ماهور مدگردی کرده و با اشاراتی به تم نوایی در میزان دویست و بیست و نه در دستگاه چهارگاه با اشاره به گوشه های درآمد و مخالف در میزان دویست و پنجاه و یک خاتمه می یابد.از میزان دویست و پنجاه و دو تا انتهای قطعه به قسمت های اول و دوم بطور خلاصه و با تغییراتی در ارکستراسیون اشاره می شود و از میزان دویست و نود و هفت به بعد با اشاره به تم نوایی قطعه پایان می یابد.

بافت

در این اثر بافت های مونوفونیک ،هوموفونیک و پلی فونیک به کار رفته است ولی بافت غالب در اثر بافت هوموفونیک می باشد.

هارمونی

هارمونی این اثر برگرفته از ملودی و کوک ساز تار (ر- سل- دو) که تداعی کننده آکورد کوارتال می باشد و بصورت فضاسازی برای همراهی تار در مد های مختلف بکار رفته است.
بسیاری از آهنگسازان قرن بیستم درآثار خود ترکیبی از هارمونی کوارتال و هارمونی تیرس را بکار برده اند. مصالح هارمونی کوارتال از تزئین آکورد سه صدائی وهمچنین تکنیکهای پلی فونی قرون وسطی سرچشمه گرفته است.
آکوردهای کوارتال از روی هم قرار گرفتن فواصل چهارم ساخته شده اند.اکورد های متشکل از روی هم قرار گرفتن فواصل چهارم درست مانند همه آکورد هایی که از روی هم قرار گرفتن فواصل مساوی ساخته شده اند ،مبهم هستند .زیرا هر نتی از آکورد می تواند بعنوان نت پایه عمل کند.
در چنین هارمونی که نت پایه واحد وجود ندارد و در کل بی ثبات است ،مسئولیت تثبیت تنالیته به عهده صوتی است که حرکت ملودیک فعال داردو در این قطعه این نقش به عهده ساز تار گذاشته شده است.
در تمام آکورد های کوارتال سه نتی فقط دو معکوس میسر است .آکورد هایی که دارای دو فاصله چهارم درست هستند می توانند معکوس شوند و در نتیجه از حالت یکنواختی فواصل همگون جلوگیری می شود.
هر یک از معکوسها میتوانند به خاطر حضور فاصله پنجم درستی که دارند بعنوان ساختمانی اساسی بکار روند . هرگاه فاصله پرطنین پنجم درست حاکم باشد ؛اغلب نت دوم آن که از معکوس فاصله هفتم بوجود می آید ،شبیه نت اضافه شده به آکورد ساده صدا خواهد داد و مکانهائی که پنجم درست در آنها قرار میگیرد رنگهای گوناگونی به هامونی کوارتال می بخشد .

این قطعه ساز تار نقش تعیین فضای مدال را بر عهده گرفته و مدهای همایون ، نوا ،اصفهان و چهارگاه راتداعی میکند و هارمونی متشکل از هارمونی تیرس و کوارتال ،توسط ارکستر جهت فضا سازی مناسب در قسمتهای مختلف بکار گرفته شده است .

ارکستراسیون

ارسطو در سخنرانی معروف خود راجع به موسیقی به این نکته اشاره میکند که برای کسانی که نوازندگی نکرده اند، قضاوت در باره اجرای نوازندگان اگر کاری غیر ممکن نباشد ،بسیار دشوار است. البته او به اجرای سولو ساز ها ویا موسیقی آوازی بصورت تکخوان اشاره کرده است ،ولی این موضوع در باره قضاوت در مورد چگونگی اجرای موسیقی ارکسترال هم صدق میکند.

تجربه عملی در حوزه اجرای موسیقی ،آهنگساز رهبر ارکستر ، مدرس موسیقی و نوازنده توانا را بوجود می آورد .

کسب توانائی لازم در چگونگی بکار گرفتن ارکستر بطور مناسب ، نیاز به مطالعه مداوم و تجربه اندوزی در دو بخش ساز بندی Instrumentation و ارکستراسیون Orchestration دارد.

ارکستر یکی از اصیل ترین ساخته های تمدن غرب است و مطالعه ریزه کاری ها وپیچیدگی های ارکستر ،فضاهای موسیقایی بسیار مهمی را در اختیار آهنگسازان قرار می دهد.

توجه به تمبر صوتی وبافت در یک قطعه ارکسترال باعث وضوح فرم و محتوای کمپوزیسیون می شود.

علاوه بر این رنگهای ارکسترال بخصوص و فضا گذاری spacing آکوردها در بافت ارکسترال ،شخصیت خاصی به موسیقی آهنگساز میدهد .

هنر ارکستراسیون یک ضرورت بسیار شخصی برای هر آهنگساز می باشد . مثلا واگنر و برامس که در یک دوره زندگی می کردند، تفاوت بسیار زیادی در چگونگی بکار گیری ارکستر دارند .

آموختن دقیق ارکستراسیون مانند هارمونی ،ملودی وپارامتر های دیگر موسیقی امری ضروری است تا در نهایت آهنگساز با کمک آن بتواند به سلیقه شخصی خود در ا ین حوزه دست پیدا کند .

ما میتوانیم تاریخ تکامل ارکستر را به دو دوره تقسیم کنیم :

1.از آغاز پیدایش ارکستر تا مرگ باخ و هندل حدود سالهای 1750

2. از مکتب مانهایم زمان هایدن و موتزارت تا امروز

در دوره اول تاکید بر تشکیل یک ارکستر کامل بوده است ،ابتدا سازهای زهی تا آخر قرن هفدهم میلادی به تکامل رسیدند واجرای کنسرتهایی برای عموم باعث افزایش تدریجی ساز های زهی شد . همچنین اجرای باله و اپرا کمک بسیاری به پیشرفت ارکستر و بکارگیری رنگ آمیزی های بخصوص در ارکستر شد .

باخ در طول عمر خود از ترکیب های مختلف سازی در ارکستر استفاده کرد .مخصوصا برای آکومپانیمان هایی که برای کانتاتا های خود بکار می برد .

تبحر نوازندگان در آن دوره کمک زیادی به تاسیس ارکستر او کرد .

در زمان هایدن و موتزارت ارکستر به ثبات کامل رسید و ارکستر کامل از گروه های مجلسی بزرگ متمایز شد و به گروه های بادی چوبی بادی برنجی و زهی تقسیم شد .

در این زمان در ارکستر سمفونیک گروه ساز های کوبه ای بطور مجزا وجود نداشت ولی در اپرا بطور مجزا از آنها استفاده شد .

هورن که از زمان قدیم در ارکستر استفاده میشد ، در بالای ترومپت قرار گرفت و ترومپت با وجود رجیستر بالا تر از هورن نزدیک به تیمپانی قرار داده شد .

از دوره کلاسیک به بعد سرعت رشد و تکامل ارکستر افزایش یافت و ساز هایی مانند پیکولو، کرآنگله ، کلارینت باس و کنترفاگوت برای افزایش رنج صوتی به گروه بادی چوبیها اضافه شدند .

سازهایی مانند ترومبون هارپ وپرکاشن های مختلف از طریق اپرا به ارکستر اضافه شدند .

آهنگسازانی مانند برلیوز مالر و استراوینسکی ارکستر های بزرگتری را بکار گرفتند و ارکستر از نظر اندازه و نوع بکار گیری آن به تکامل بسیار زیادی رسید و به تمبر صوتی و نوانس توجه بیشتری شد.

آهنگسازانی مانند برلیوز و کرساکف تجربه های خود را راجع به ارکستر به رشته تحریر در آوردند.

هر دو راجع به تکنیک های ساز ها بطور جدا گانه و ترکیب آنها با یکدگر و ارکستر کامل مطالب زیادی نوشتند.

موریس راول نیز در زمینه ارکستراسیون از اساتید بسیار برجسته و درخشان است .
امروزه هنر ارکستراسیون بسیار پیشرفت کرده است تا حدود زیادی به سلیقه شخصی آهنگساز بستگی دارد .
در این اثر ارکستر با بکار بردن کنترملودی ها و آکومپانیمان های گوناگون و ایجاد رنگ آمیزی های مختلف فضای مناسب برای ارائه بهتر ساز تار را فراهم می کند.

فرم

فرم در موسیقی ، نتیجه اثر متقابل تمام عناصر ساختاری بکار رفته در قطعه تصنیف شده می باشد .
در واقع فرم به نوعی معماری که ساختار اثر موسیقی بر اساس آن ساخته شده است اشاره میکند
فرم در موسیقی یکسری استراتژیهایی است که برای رسیدن معنایی منطقی بین تضاد ها و تکرار هایی که در قطعه بکار رفته است، طراحی شده است.
از فرمهای بکار رفته در آثار آهنگسازان می توان به فرمهای دو بخشی ،سه بخشی ،تم و واریاسیون ،روندو و فرم سونات اشاره کرد .
در موسیقی سنتی ایرانی ،در باره فرم توضیحات دقیقی ارائه نشده است ولی می توانیم به مواردی مانند پیش درآمد ، تصنیف ، رنگ ، چهار مضراب بعنوان نمونه هایی از فرم در موسیقی سنتی ایران اشاره کنیم.
فرم این اثر برگرفته از فرم سونات می باشد که سوژه های اول الهام گرفته از مد همایون و گروه سوژه های دوم الهام گرفته از مد نوا در قسمت بسط و گسترش آن به مدهای بیات اصفهان، ماهور و چهارگاه اشاره می شود.

Intro	A	Bridge	B	Dev	Recap	Coda
بیداد	همایون	مدگردی از همایون به نوا	نوا	اصفهان،ماهور،چهارگاه	همایون،نوا	نوا
m1-m 22	m23-m 82	m83-m119	m120-m 168	m 169-m251	m252-m296	m296-m312

تم مقدمه از گوشه های بیداد ونی داوود عشاق از مد همایون الهام گرفته شده که با انگاره های ریتمیک بر گرفته از قطعه نی نوا اثر هنر مند گرامی استاد حسین علیزاده ،تزئین شده است .

در قسمت A اشاره اصلی به گوشه بیداد در مد همایون می باشد که در انتهای این بخش فرود بر روی درآمد همایون صورت میگیرد.

در قسمت Bridge که پس از بخش A می آید مد گردی از همایون به مد نوا صورت میگیرد.

در قسمت B در مد نوا ، به ملودی هایی بر گرفته از گوشه های درآمدو گوشه نهفت اشاره می شود و درانتها با اشاره به تم نوایی از مقام های خراسان زمینه را برای آغاز بخش بسط و گسترش فراهم می آورد .

در قسمت development پس از مد گردی به اصفهان اپیزودی الهام گرفته از موسیقی آذری میآید و پس از آن به مد های ماهور وچهار گاه با بکار گیری ماتریال های قسمتهای A وB اشاره می شود .

در قسمت recapitulation قسمتهای A و B با ارکستراسیون و تزئینات متفاوت ارائه شده و قطعه طی اشاره به تم نوایی در قسمت Coda خاتمه میابد .

فهرست منابع و ماخذ

- نظری به موسیقی اثر روح الله خالقی جلد دوم.
- نگرشی نو به تئوری موسیقی ایرانی ، داریوش طلایی.
- طرحهای سمفونیک برای ارکستر احمد پژمان نشر سرود چاپ اول.
- فانتزی برای تار و ارکستر اثر حسین دهلوی.
- هارمونی قرن بیستم وینسنت پرسی کتی ترجمه هوشنگ کامکار ناشر دانشگاه هنر چاپ اول.

- The study of orchestration by Samuel Adler, 3th edition.
- Music in theory & practice by Benward and Saker.

Abstract

This proposal consists of two parts.

First a piece for symphonic orchestra (Tar & Orchestra) in Homayoon mode that modulates to Nava.

Second part contains a piece for Iranian ensemble consists of Tar, Kamanche, Gheychak & Tombak in Esfahan mode.

A piece for tar and orchestra

Rambod salari

♩=60 **Adagio espressivo**

2 Flute

2 Oboe

2 Clarinet in B♭

2 Bassoon

2 Horn in F

2 Trumpet in B♭

Timpani

tar

♩=60 **Adagio espressivo**

Violin I

mp

Violin II

mp

Viola

mp

Violoncello

mp

Contrabass

mp

6
Ob.
tar.
Vln. I
Vln. II
Vla.
Vc.
Cb.
1.
mf
3
mf
p
sfz
pp
pizz.
pizz.

11
Ob.
Cl.
tar.
Vln. I
Vc.
Cb.
p
1.
mf
mf
p
3
con sord.
port.
pp
arco
mp
arco
mp